

تحلیل جنبه‌های تفکر خلاقانه در نقاشی کودکان ۳ تا ۵ سال (گروه سنی الف)

فرزانه فرشیدنیک*

چکیده

تصاویری که در نقاشی و تصویرسازی کودکان خلق می‌شوند در بیشتر موارد برخاسته از تفکری خلاق و دارای موضوعاتی خاص است. شناخت دقیق مضامین و ویژگی‌های خلاقانه نقاشی کودکان و تحلیل و تفسیر درست آنها، ما را در شناخت نحوه تفکر آنها یاری می‌رساند. این مضامین از محیطی به محیط دیگر و یا در فرهنگ‌های مختلف، تفاوت‌هایی را نشان می‌دهد. این پژوهش به منظور شناخت دقیق‌تر مضامین نقاشی و ویژگی‌های فکری و خلاقانه نقاشی کودکان گروه سنی الف از طبقه متوسط شهر تهران در فاصله سال‌های ۹۶ تا ۹۸ انجام شده است. پژوهش حاضر از جمله پژوهش‌های کیفی است که به روش تحلیل مضمون انجام شده و جامعه آماری پژوهش، مهدکودک‌های شهر تهران و حجم نمونه شامل ۱۰۰ کودک از ده مهدکودک در مناطق یک، دو، هفت، دوازده و چهارده تهران است. نمونه‌گیری به صورت تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای انجام شده و نهایتاً مضامین آثار خلق شده توسط این کودکان، پس از کد گذاری و طبقه بندی بر اساس شاخصه‌های خلاقیت مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: نقاشی، کودک، خلاقیت، گروه سنی الف

* استادیار گروه هنرهای تجسمی و سنتی، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، تهران، ایران،
farshidnik@ricac.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۸/۲۶، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۰۷

۱. مقدمه

کودکان در هنگام انجام فعالیت‌های هنری، فرصت تفکر و عمل می‌یابند و اندیشه خود را از طریق آفرینش‌های خلاق بیان می‌کنند. نقاشی، روشی شگفت‌انگیز برای مشاهده‌پذیر کردن جریان تفکر است که برای تمام سنین به ویژه برای کودکان، مفید واقع می‌شود. زیرا گاهی بیان اندیشه‌ها در قالب کلمات، برای کودک آسان نیست و در این صورت شیوه تصویرگری، هم برای بیان ایده‌ها و هم برای درک ایده‌های دیگران آسانتر خواهد بود (فیشر، ۱۰۳: ۱۳۸۵) به-علاوه در نقاشی، این امکان وجود دارد که به‌کارگیری برخی نظام‌های بازنمایی از قبیل ریاضیات و زبان مکتوب را توسط کودکان در سنین بعدی تسهیل کرد (فخرایی، ۱۳۸۹: ۷۸).

نقاشی کودک یک پیام است، یعنی آنچه را که او نمی‌تواند به زبان بیاورد با نقاشی کردن به ما انتقال می‌دهد. بررسی و درک «زبان» نقاشی، اطلاعات ارزنده‌ای در اختیار والدین، مربیان، روان‌شناسان و همه کسانی می‌گذارد که خواهان درک و دریافت راز و رمز جهان کودک هستند (دادستان، ۱۳۷۴: ۱). نقاشی کردن به کودک امکان می‌دهد که افکار درونش را یا به‌عبارت دیگر خویشتن خودش یعنی تأثیرات خاطر و فرهنگ محیطش را نشان دهد. به‌همین دلیل است که کودکان به هنگام نقاشی کردن از نمادها استفاده می‌کنند و آنچه برایشان مهم است، نشان دادن تجربه‌های اندوخته شده‌شان است (جعفرطباطبایی، ۱۳۸۳: ۲۲). به همین جهت گفته می‌شود که نقاشی، زبان کودک است. بزرگسالان اگر نقاش نباشند به‌ندرت به نقاشی می‌پردازند. اما کودکان خردسال به دلیل اینکه کلمات کافی برای برقرار کردن ارتباط با دیگران ندارند، اکثراً به نقاشی و یا وسیله‌های ارتباطی دیگر پناه می‌برند (بهرامی، ۱۳۷۲: ۲۶۵) و بدین ترتیب، نقاشی را به عنوان یکی از بهترین ابزار برای نشان دادن افکار خود می‌یابند.

بسیاری از صاحب‌نظران آشکارا یا ضمنی بر این عقیده‌اند که دلیل عمده‌ای که باعث می‌شود کودکان نقاشی بکشند، ارائه بازنمایه‌های گرافیکی یا تصاویر است. برای مثال، فریمن (Freeman) معتقد است که دلیل اصلی نقاشی کشیدن، تصویرسازی است. اما او نیز مانند بسیاری دیگر این مطلب را توضیح نداده که چرا تصویرسازی باید چنین ارزشی داشته باشد. آرنه‌ایم (Arnheim) خاطر نشان می‌کند که هدف کودک، نمادهاست و اشاره می‌کند که بیان هنری در قالب نمادهای تصویری، با رضایت خاطری جهان‌شمول همراه است. کلوگ (Kellogg) نیز بر این عقیده است که هنر کودکان، با هدف نمادین کردن همراه است. گاردنر (Gardner) نیز با فحوایی مشابه اظهار نظر کرده است که یکی از دلایل مهم نقاشی،

بیان «احساسات» است. لوونفلد (Lowenfeld) مدت‌ها قبل اعلام کرده است که حدیث نفس (بیان احساسات و عواطف) در هنر، ارضاء درخور توجهی به‌بار می‌آورد و بنابراین یکی از دلایل عمده نقاشی کشیدن است (توماس، ۱۳۹۳: ۸۶).

کودکان در نقاشی‌هایشان از قوه تخیل و حافظه خود بسیار استفاده می‌کنند. کودکان برون‌گرا معمولاً از موضوع‌هایی استفاده می‌کنند که تصویر واضح تمایلاتشان را نمایان سازد؛ درحالی که کودکان درون‌گرا از جنبه‌های ارتباطی نقاشی بهره‌می‌برند. به‌طور کلی، موضوع نقاشی بایشرفت سن، از مرحله علاقه به خود، به مرحله توجه به دنیای خارج و دیگران تکامل می‌یابد (محمدی صبا، ۱۳۹۱: ۳۹). کودک در حین نقاشی، رنگ‌ها، شکل‌ها و... را کشف می‌کند و نقاشی، وسیله بیان اندیشه و احساس و سازگاری کودک با محیط و زندگی است (اکبر حلویی، ۱۳۸۵: ۱۴). موضوعاتی مانند خانه، آفتاب، درخت و غیره بی‌آن که برای کودک کسل‌کننده باشد، بارها در نقاشی‌های آنها تکرار می‌شود (محمدی صبا، ۱۳۹۱: ۳۹). به‌نظر می‌رسد بعضی از نخستین نقاشی‌های کودکان خردسال، اصولاً نمادهایی قراردادی هستند که موضوع بازنموده شده را توصیف نمی‌کنند بلکه بیشتر بر آن دلالت می‌کنند. در نتیجه، این نقاشی‌های اولیه غالباً اطلاعات چندانی درباره ساختار و ظاهر موضوع خود ارائه نمی‌دهند. به‌عنوان مثال، نخستین نقاشی‌هایی که کودکان خردسال از سگ می‌کشند، روایت نه‌چندان تعدیل شده‌ای از فرمول‌های گرافیکی کودکان از چهره انسان است. ترکیب کردن اشکال و خطوط ساده به‌منظور ساختن تصاویر پیچیده‌تر یکی از مشخصه‌های نقاشی کودکان خردسال است. نباید مشکلات ساختن این ترکیب‌ها را کم‌اهمیت بشماریم. این قبیل نقاشی‌های ساخته شده باید برنامه‌ریزی شوند: نخست باید در مورد ترتیب کشیدن اجزاء متشکله تصمیم‌گیری شود؛ پس از تعیین محل اجزایی که ابتدا کشیده می‌شوند، باید جای لازم برای اجزایی که بعداً، در توالی کشیدن اضافه خواهند شد در نظر گرفته شود؛ و سرانجام، اجزایی از تصویر که بعداً کشیده شده‌اند باید در وضعیتی قرار بگیرند که بتوان آنها را به‌گونه‌ای مناسب به اجزاء قبلاً کشیده شده وصل کرد. اکنون دلایل خوبی در دست داریم که فکر کنیم بسیاری از وجوه ممیزه‌ی نقاشی کودکان، محصول فرایند ساختن تصویر، از قبیل تعیین محل، توالی و برنامه‌ریزی است (توماس، ۱۳۹۳: ۹۹-۱۱۴). شواهد نشان می‌دهد که هر اندازه کودکان در انتخاب موضوع آزادی عمل داشته باشند و شناخت کافی برای استفاده از تخیل و آزادی در رنگ‌آمیزی و ابراز وجود داشته باشند به‌راحتی می‌توانند هر موضوعی را نقاشی کنند، بدون ترس از این‌که دیگران آن را تأیید کنند یا نه. در این

صورت پرورش خلاقیت و شکوفایی استعداد آنان از این طریق ممکن می‌گردد و حتی می‌توان با این روش کودکان را شناخت و با دنیای پر رمز و راز آنان آشنا شد (محمدی صبا، ۱۳۹۱: ۳۶). نظریه فروید (Freud) درباره نقاشی نشان می‌دهد که کارهای هنری کودک به شدت تحت تأثیر امیال و آرزوها و ترس‌های ناخودآگاه او قرار دارند که ممکن است به صورت سمبلیک (symbolic) یا تحریف‌شده جلوه‌گر شوند. این فرضیه که نقاشی وسیله‌ای برای بیان هیجان‌ها و انگیزه‌های ناآگاه است، برای روان‌شناس این امکان را فراهم می‌کند که نقاشی را به عنوان وسیله‌ای برای سنجش شخصیت و بررسی اختلال‌های عاطفی مورد استفاده قرار دهد (پاشا، ۱۳۷۲، ۳۰). درست است که از نظر بزرگسالان نقاشی کودکان، یک نوع بازی و سرگرمی برای کودکان محسوب می‌شود ولی از نظر خود آنها، نقاشی علاوه بر یک وسیله سرگرمی، ابزاری برای بیان احساسات و تمایلاتشان است (محمدی، ۱۳۶۹: ۱۷). در واقع نقاشی زبان و ابزاری است که کودک از طریق آن، خلاقانه به بیان اندیشه‌های خود می‌پردازد. در این مقاله تلاش شده تا ویژگی‌های خلاقانه نقاشی‌های کودکان گروه سنی الف، شناسایی، توصیف و تحلیل شود با این هدف که امکان شناخت بهتر زبان و تفکر کودک از این رهگذار فراهم آید. بدین منظور، در ادامه این بحث، ابتدا پیشینه تحقیق شامل بررسی پژوهش‌هایی که تاکنون با موضوع خلاقیت در نقاشی کودکان انجام گرفته ارائه شده و پس از معرفی چارچوب نظری، ابعاد پژوهش و روش شناسی پژوهش، نمونه آثار خلق شده توسط کودکان مورد تحلیل قرار گرفته و مضامین خلاق در نقاشی کودکان استخراج شده است.

۲. مبانی نظری خلاقیت

خلاقیت یکی از موضوعات بحث برانگیز در حوزه‌های مختلف علمی به ویژه علوم تربیتی و روانشناسی است. این موضوع در هر دوره از تاریخ، به عنوان قدرت اساسی ذهن بشر، هدف اصلی مراکز آموزشی بوده است (برون و دیگران، ۱۳۹۲: ۵۵). فرآیند خلاقیت با یک ایده یا طرح شروع شده و با یک محصول خلاق پایان می‌یابد (عنایتی و عابدی، ۱۳۹۵: ۲). تفکر خلاق از پیچیده‌ترین و عالی‌ترین جلوه‌های اندیشه انسان است. در نظریه گیلفورد (Guilford)، تفکر خلاق از چند مؤلفه تشکیل شده است که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

سیالی (روانی): تولید تعدادی اندیشه در یک سمت

انعطاف پذیری (نرمش): تولید اندیشه‌های متنوع و غیر معمول

تازگی (اصالت یا ابتکار: استفاده از راه حل‌های منحصر به فرد و نو

گسترش یا بسط: تولید جزییات (عنایتی و عابدی، ۱۳۹۵: ۳).

خلاقیت در هر فعالیتی می‌تواند صورت گیرد و محدود به نوع خاصی از آن نیست (Torrance, 1989: 16). واژه خلاقیت در لغت به معنای آفرینندگی و بداعت آمده است که به معنای نوآوری و نواندیشی تعبیر می‌شود و در واقع، اشاره به قدرت ایجاد اندیشه‌های نو دارد. می‌توان گفت خلاقیت، عبارت است از درخشش یک اندیشه و به وجود آمدن نظر و ایده‌های نو. از نظر معنایی، خلاقیت بیشتر در جنبه‌های فکری و نظری یا به اصطلاح در فعالیت‌های ذهنی مطرح است. چون نوآوری مترادف با ابداع است، به فرآیند پایانی خلاقیت اطلاق می‌شود. به عبارتی خلاقیت جلوه و نمود بیرونی هنر است که به صورت یک اثر بدیع ارائه می‌گردد. از تعاریفی که اندیشمندان در مورد خلاقیت ارائه داده‌اند می‌توان به تعریفی از گیلفورد اشاره کرد که یکی از پیشگامان حوزه خلاقیت محسوب می‌شود و هدف پروژه تحقیقاتی او و همکارانش، بررسی ماهیت هوش انسان و فرآیند ذهنی منجر به ظهور رفتار خلاق بود. گیلفورد خلاقیت را تفکر واگرا (Divergent) در برابر تفکر همگرا (Convergent) می‌داند. وی خلاقیت را تفکر و روندی مبتنی بر دانش و هوش قلمداد می‌کند (پیرخایفی، ۱۳۸۷: ۶۲). از نظر مدنیک (Mednich) خلاقیت عبارت است از شکل دادن به عناصر متداعی به صورت ترکیبات تازه که با الزامات خاصی مطابق باشد یا به شکلی مفید تحقق یابد. با استناد به این تعریف، هرچه عناصر ترکیب جدید غیرمشابه‌تر باشند، فرآیند پایانی خلاق تر خواهد بود (حسینی، ۱۳۸۸: ۲۹). به این معنا که با کم یا زیاد کردن یک پدیده، تغییر شکل دادن و ترکیب کردن آن با سایر پدیده‌ها و یا اشیاء می‌توان الگویی دیگر به گونه‌ای منحصر به فرد پدید آورد، یعنی ملاک‌های تمایز اثر خلاقه از آثار غیرخلاق، اصل یگانه و ابداعی بودن فرض شده است، حتی در صورت ترکیب پدیده‌های غیرابداعی. در هنر معاصر خصوصاً هنر ارتباطات بصری، خلاقیت به معنای توانایی نگاه جدید و متفاوت به موضوع مورد ارتباط، یا به عبارتی فرآیند شکستن، دوباره ساختن، افزایش آگاهی و حتی تغییر دیدگاه ذهنی درباره یک موضوع و به دست آوردن بینش جدید نسبت به ماهیت آن با حاکمیت ذهن است که خارج شدن از قالب‌های ذهنی معمول هم قلمداد می‌شود (گلستان هاشمی، ۱۳۸۲: ۱۴) بر همین اساس یکی از وجوه خلاقیت در هنر، نامتعارف بودن یا خارج بودن از عرفی است که مورد پذیرش ارائه اثر است و این نامتعارف بودن در تفکر واگرا که تفکری خلاق است، ریشه دارد. نامتعارف بودن اولاً

کارکردی عقلانی دارد، ثانیاً محتاج آگاهی فراتر از زمان خود است. با این اوصاف دوبروفه نقاش فرانسوی نیز بر این عقیده است که «گوهر هنر، تازگی یا بدیع بودن است. بنابراین نگرش‌های مربوط به هنر، باید تازه و بدیع باشند. تحول دائم، تنها رهیافت شایسته هنر است» (هنفلینگ، ۱۳۸۶: ۵). بدین ترتیب، برخی از تکنیک‌های خلاقیت در آثار هنری به شرح زیر برشمرده شده‌اند:

- ترکیب: می‌توان با ترکیب دو یا چند چیز با یکدیگر، مفهومی جدید خلق کرد.
- تکرار: تکرار یک عنصر در تبلیغ است که می‌توان با این تکرار، ایده‌ای خلاق را روایت کرد.
- اغراق: اغراق در به تصویر کشیدن یک موضوع، می‌تواند توجه مخاطب را جلب و بر مزیت محصول تاکید کند.
- از زاویه دیگر نگاه کردن: می‌توان زاویه‌های جدیدی از موضوع را به نمایش درآورد و یا برخورد متفاوتی نسبت به موضوع داشت.
- شوخی با شناخته شده‌ها: ایجاد تغییراتی در سوژه‌ای که مخاطب آن را به طور کامل می‌شناسد.
- استفاده از علائم و نمادها: کاربرد برخی نمادها انتقال مفاهیمی است که توضیح آن‌ها با کلمات سخت است.
- داستان سرایی: به این تکنیک، "برشی از زندگی" هم می‌گویند. در این روش با بازسازی موقعیتی از زندگی روزمره که برای مخاطب آشناست، پیام به او منتقل می‌شود. (افسرپور، ۱۳۹۵: ۱۳۸-۹۴).

در ادامه این مقاله خواهیم دید که چگونه برخی از این شاخصه‌ها در آثار کودکان نیز به چشم می‌خورد.

هنر و خلاقیت به عنوان دو ویژگی مهم از ویژگی‌های انسانی است که باید از طریق آموزش و پرورش رشد داده شود. در این میان هنر قادر است شرایطی را فراهم نماید که آدمی بتواند به دور از هیاهو در میان زیبایی‌ها سیر کند و در کنار آن عمیق‌تر بیاندیشد (حسینی، ۱۳۸۸: ۴۲).

از دیدگاه بودو آلن، خلاقیت عبارتست از تمایل و ذوق به ایجادگری که در همه افراد و در همه سنین به طور بالقوه وجود دارد و با محیط اجتماعی و فرهنگی پیوستگی مستقیم و

نزدیکی دارد. تحقیقات نشان داده که عوامل اجتماعی و محیطی نقش اصلی را در کار خلاق ایفا می‌کنند. از سوی دیگر، تخیل، پایه خلاقیت است. تخیل به افراد این امکان را می‌دهد تا اندیشه‌های تازه‌ای را شکل دهند و به حقایق جدیدی دست یابند. کودک در تخیل ورزی تواناست کودک به زندگی و پدیده‌های آن با آزادی و انعطاف می‌نگرد و خیال بافی، جان‌پنداری، وانمودسازی و ... گواه تخیل در کودکان است و این تخیل مبنای بسیاری از خلاقیت‌های او است (فرخ‌مهر، ۱۳۹۲). کودکان نیز با توجه به یادگیری‌ها، غرایز و خلاقیت خود دست به خلق آثار هنری از جمله نقاشی می‌زنند. خلاقیت در نقاشی کودک رکنی اساسی تلقی می‌شود. کودکان به کمک تخیل می‌توانند از زمان حال به گذشته و آینده و آنچه خواهد شد فراتر بروند. آنان از جهان حسی خود در لحظه رها می‌شوند و از طریق کوشش‌های خلاقانه و پرتخیل خود، افکار خود را از طریق نقاشی بیان می‌کنند و می‌توانند تصور و دیدی از جهان داشته باشند که متعلق به خودشان است (دافی، ۱۳۸۰: ۲۴).

۳. پیشینه پژوهش

نگرش‌های نظری در خصوص نقاشی کودکان از قرن نوزدهم آغاز می‌شود که از آن جمله می‌توان به نگرش‌های رشد مدار، نگرش‌های بالینی - فرافکنانه، نگرش‌های هنرمندانه و نگرش‌های فرآیندی اشاره کرد. از حدود سال ۱۸۸۵ تا ۱۹۲۹ علاقه‌ای جهانی به تعیین نوعی طبقه‌بندی برای هنر کودکان وجود داشت. در بسیاری از کشورها، کوشش‌های فراوان در جهت گردآوری نقاشی‌های خود انگیخته کودکان و توصیف و طبقه‌بندی آنها به عمل - آمد. بسیاری از محققان به این نتیجه دست یافتند که نقاشی کودک، نسخه‌ای از تصویری است که در ذهن او شکل گرفته و به همین دلیل نقاشی‌های کودک، پنجره‌ای به درون دنیای اندیشه‌ها و احساس‌های او هستند. تعداد زیادی از نقاشی‌هایی که بدین ترتیب گردآوری شده بودند، غالباً برحسب جنس یا زمینه فرهنگی نقاشی‌کننده، طبقه‌بندی شدند. در چندین مورد از مطالعات انجام شده، درجه محبوبیت موضوعات گوناگون نقاشی‌ها ثبت می‌شد و در برخی موارد نیز می‌کوشیدند یک روش نمره‌گذاری عینی برای توصیف این نقاشی‌ها پی‌ریزی کنند. مهم‌ترین دستاورد این مطالعات را می‌توان فراهم آوردن شالوده‌ای برای طبقه‌بندی نقاشی‌های کودکان در قالب مراحل یا زنجیره رشد دانست. به اعتقاد لوکه، یکی از محققان فعال در این زمینه، کودکان براساس یک «الگوی ذهنی» درونی نقاشی می‌-

کنند. پیازه در این مورد از اصطلاح «تصویر ذهنی» استفاده می‌کند. لوکه در معرفی مراحل رشد نقاشی در کودکان، به مراحل زیر اشاره می‌کند:

۱. مرحله خط خطی: در این مرحله که آغاز نقاشی کودکان است، کودک با خوشحالی در یکی از سطوح دم دست خود، خواه دیوار، کاغذ و ... خطوط درهم و برهم با طرح‌های مبهمی را می‌کشد.

۲. مرحله رئالیسم کودکان: در این مرحله کودک به جای اینکه پدیده‌ها را آن‌طوری که با چشم‌های خود می‌بیند، رسم کند، آن‌ها را طوری که می‌شناسد در جهت موارد استعمال آن‌ها معرفی می‌کند. او اشیاء را چنان رسم می‌کند که نمونه گویای نوع خود یا اشیاء مشابه خود باشد. به همین جهت هنگام کشیدن فلان درخت بخصوص، او درختی که در ذهن دارد می‌کشد. این مرحله از ۴ سالگی تا ۱۲ سالگی را شامل می‌شود.

۳. مرحله رئالیسم بینایی: تقریباً از آغاز ۱۲ سالگی نقاشی‌های کودک وارد مرحله‌ای خاص می‌گردد، که این دوره را رئالیسم بینایی گویند. کودکان در این مرحله مانند اشخاصی بزرگسال می‌کوشند مناظر را چنان ترسیم کنند، که فقط با چشم‌های خود می‌بینند (پژوهشی، ۱۳۷۳)

براساس مراحل رشد پیشنهادی توسط لوکه، فلورانس گودایناف و دیگر محققان، در سال ۱۹۲۶ کتاب خود را در زمینه اندازه‌گیری هوش کودکان از روی نقاشی‌های آنان انتشار دادند. از سال ۱۹۴۰ به بعد و بر اساس نگرش‌های بالینی - فرافکنانه، علاقه‌ای نوبه نقاشی کودکان براساس این فرض که کودکان هیجان‌ها و انگیزه‌های خود را به درون نقاشی - هایشان فرافکنی می‌کنند، شکل گرفت و رونق یافت. این‌گونه بهره‌گیری از نقاشی برای ارزیابی شخصیت و سازگاری روانی، بخشی از کاربرد گسترده‌تر روش‌های فرافکنانه در روانشناسی بالینی و روانپزشکی تشکیل داد. وجه مشترک روش‌های فوق این است که فقط به ساختار سطحی نقاشی تکمیل شده توجه دارند و فرآیندهای شکل‌دهی به نقاشی توسط کودکان را از نظر دور می‌دارند. در نگرش‌های فرآیندی اما، برخلاف سایر نگرش‌های نظری که فقط به ساختار سطحی نقاشی کودکان را مورد توجه قرار داده، نقش احتمالی فرایند شکل‌دادن به نقاشی به منظور تعیین ساختار نهایی یک تصویر مورد توجه قرار می‌گیرد. در واقع تحلیل فرآیند سامان‌دهی در آفرینش یک نقاشی می‌تواند ما را در سنجش رشد کودک و روانشناسی عقلی (شناختی) یاری رساند (مارنات، ۱۳۹۶).

آنا الیوریو فراری در کتاب «نقاشی کودکان و مفاهیم آن»، ضمن بررسی مراحل نقاشی کودکان، زندگی عاطفی کودک، نقاشی خانواده و محیط توسط کودک، تأثیر درمانی نقاشی و نهایتاً آموزش هنری، معتقد است که نقاشی کودکان فقط یک وسیله پرورش خلاقیت کودک و یا شاخص تکامل نیست و آن را باید به عنوان یک وسیله تحقیق و مبادله با محیط اجتماعی و دنیای بزرگسالانی که در اطراف کودکان هستند و همانند نشانه حالات عاطفی کودک در نظر گرفت که شناخت درست آن، امکان گفتگو و تفاهم با کودک را به منظور کمک به پرورش شخصیت و نیروی خلاق او فراهم می‌آورد (فراری، ۱۳۹۴).

گلین توماس و آنجله م. ج سیلک در کتاب «مقدمه ای بر روانشناسی نقاشی کودکان» ضمن مروری بر رهیافت‌های نظری عمده و توصیف خصوصیات اصلی نقاشی کودکان در سنین مختلف، به تعریف نقاشی از دیدگاه هنرمندان و فلاسفه و ... می‌پردازند و با بررسی انواع اطلاعاتی که کودکان در نقاشی‌های خود ارائه می‌دهند، معتقدند که نقاشی‌های کودکان بسیار پیچیده‌تر از آن چیزی است که در گذشته تصور می‌شد و اطلاعات بیشتری را منتقل می‌کند و به منظور به دست دادن تفسیرهایی معتبر و سودمند از تأثیر عوامل شناختی، انگیزه‌ای و عاطفی در نقاشی، آگاهی بر نقش فرایند نقاشی کردن، ضرورتی تام دارد (توماس و سیلک، ۱۳۹۲).

مهتاب مصابریور نیز در کتابی تحت عنوان «نقاشی کودک و مفاهیم آن»، ضمن تفسیر نقاشی کودکان از روی خط و رنگ، انتخاب نواحی صفحه نقاشی از طریق اندازه نقاشی در صفحه، جهت نقاشی و ... به مرور مراحل تکامل رشد شناختی کودک می‌پردازد و نقاشی را به عنوان یکی از راه‌ها و وسایل پرورش کودکان معرفی می‌کند که عمیق‌ترین و اولین وسیله آموزش اوست (مصابریور، ۱۳۹۲).

۴. نوآوری پژوهش حاضر

همانطور که در پیشینه پژوهش اشاره شد، عوامل اجتماعی و محیطی نقش مؤثری را در کار خلاق ایفا می‌کنند و خلاقیت، با محیط اجتماعی و فرهنگی پیوستگی مستقیم و نزدیکی دارد، لذا از محیطی به محیط دیگر و از فرهنگی به فرهنگ دیگر تغییر می‌کند. از سوی دیگر همانطور که گفته شد که کودک از طریق نقاشی، تأثیرات فرهنگ محیطش را نشان دهد. از این رو، شناخت دقیق مضامین و ویژگی‌های خلاقانه نقاشی کودکان که باعث پی بردن به نحوه تفکر آنها می‌شود نیازمند آن است که پژوهش‌های کیفی دقیق در محیط‌ها و

فرهنگ‌های متفاوت و در بازه‌های زمانی متفاوت صورت بگیرد چراکه به اقتضای زمان نیز شاهد تغییراتی در این مضامین هستیم. این پژوهش، تلاش دارد تا شناخت دقیق‌تری از مضامین نقاشی و ویژگی‌های فکری و خلاقانه نقاشی کودکان گروه سنی الف از طبقه متوسط شهر تهران در فاصله سال‌های ۹۶ تا ۹۷ به دست دهد. تاکنون چنین پژوهشی در کودکان‌های ایران با این رویکرد گزارش نشده این پژوهش می‌تواند در کنار سایر تحقیقات کیفی که در محیط‌ها یا فرهنگ‌های متفاوت انجام گرفته، به شناخت دقیق‌تر تفکر کودکان در این گروه سنی یاری رساند. چراکه این نقاشی‌ها راه بیان تفکر کودک است و تجزیه و تحلیل و تفسیر درست مضامین این نقاشی‌ها از طریق چنین پژوهش‌هایی می‌تواند مطالب بسیاری را درباره نحوه تفکر کودک به ما بیاموزد.

۵. چارچوب نظری تحقیق

این پژوهش کیفی، مبتنی بر روش تحلیل مضمون صورت گرفته و نظریه پایه به مثابه مبنای رویکرد این پژوهش در نظر گرفته شده است. زیرا این مقاله به مطالعه تفکر خلاق و تحلیل مضامین نقاشی‌های کودکان گروه سنی الف می‌پردازد. در «نظریه رشد مرحله‌ای پیاژه»، با مطالعه رشد طبیعی کودکان، توانایی‌های آنان و تعاملشان با محیط و شیوه استدلال کودکان در دوره‌های مختلف رشد بررسی و تبیین شده است. همچنین پیاژه نقاشی را به‌عنوان شاهدهی برای نظریه خود درباره نمایش تکامل جهان توسط کودکان در نظر می‌گیرد. ژان پیاژه در زمینه مراحل رشد و یادگیری کودک معتقد است که کودکان جهان هستی را متفاوت از بزرگسالان می‌بینند و از راه تجربه مستقیم با محیط پیرامون به درک و فهم امور می‌پردازند. از نظر او رشد کودک در تحول اندیشه و ادراک است، به همین جهت نظریه پیاژه به رشد شناختی - ادراکی معروف است. وی در تشریح نظریه خود با موشکافی به توصیف تکامل رشد زبان، اندیشه، استدلال، داوری و سنجش اخلاقی کودکان می‌پردازد. رشد شناختی، ادراکی او به رشد طبیعی وابسته است که از دوره‌ها و مراحل متوالی تشکیل یافته است. هر مرحله و دوره، مرحله و دوره پیشین را تکمیل می‌کند و برای دوره و مرحله بعد آماده می‌سازد. به عقیده پیاژه رشد عقلی از میان کنش مداوم کودک و جهان پیرامون او پدید می‌آید. کودک هنگامی که می‌خواهد به مفهوم چیزی یا وضعی پی ببرد از قالب‌های فکری بهره می‌گیرد و قالب‌های فکری یا صورت‌های ذهنی در داد و ستد کودک با محیط به او یاری می‌کند. به اعتقاد پیاژه برای آنکه کودک در رشد شناختی - ادراکی پیشرفت کند، قالب‌های فکری او پیوسته در جهت تکامل

تغییر می‌یابند (پیازه و اینهلدر، ۱۳۹۸). پیازه به دنبال پاسخ این پرسش بود که شیوه استدلال کودکان و بزرگسالان چه تفاوتی با یکدیگر دارد. او رشد ذهنی را به چهار مرحله کلی تقسیم کرد: مرحله حسی - حرکتی، مرحله پیش عملیاتی، مرحله عملیات عینی و مرحله عملیات صوری. در مرحله حسی - حرکتی که از زمان تولد تا تقریباً ۲ سالگی به طول می‌انجامد و دوره‌ای سریع از رشد شناختی محسوب می‌شود، کودکان از حواس و اعمال خود برای درک جهان پیرامون استفاده می‌کنند. مرحله پیش عملیاتی، مرحله دوم در نظریه رشد شناختی پیازه است که در حدود دو سالگی شروع می‌شود و تا حدود سن هفت سالگی ادامه دارد (گروه مورد مطالعه در این پژوهش، شامل ۳ تا ۵ سال، در این مرحله قرار می‌گیرد). در این مرحله کودک به طور کامل خودمیان‌بین است، همه چیز را از دیدگاه خود می‌بیند و اگر در مورد تجربه‌ای نداشته باشد، برای توجیه آن، تبیین‌هایی از خود می‌سازد. استفاده از نمادها را آغاز می‌کند و تصاویر ذهنی به وجود می‌آیند. در این مرحله، تفکر کودکان بیشترین تفاوت را با تفکر بزرگسالان دارد. ودمیان‌بینی، که مهم‌ترین مشخصه تفکر کودک در مرحله پیش عملیاتی است، حالت روانی بهنجاری است که در آن متمایز ندانستن واقعیت شخصی و واقعیت عینی مشهود است. کودک ابتدا بین «من» خود و محیط خارج تفاوت نمی‌گذارد و بینش، دریافت و ادراک خود را در مورد دیگران نیز صادق می‌داند. کودک جهان را به گونه‌ای که تجربه کرده است درک و آن را مشاهده، تقلید و تفسیر می‌کند و انتظار دارد بزرگترها هم چیزها را همان‌طور که او می‌بیند، مشاهده کنند. تفکر کودک در این مرحله پیش عملیاتی است. این بدان معنی است که کودک نمی‌تواند از منطقی یا دگرگونی، ترکیب یا جدا کردن ایده‌ها استفاده کند. رشد کودک شامل ایجاد تجربیات در مورد جهان از طریق انطباق و انجام فعالیت برای رسیدن به مرحله‌ای عینی است که در طی آن می‌تواند از فکر منطقی استفاده کند. در پایان این مرحله، کودکان می‌توانند به لحاظ روحی و روانی، حوادث و اشیاء (کارکرد مربوط به نشانه‌شناسی) را نشان دهند و در ایفای نقش نمادین شرکت کنند. جاندارپنداری، دیگر مشخصه مهم این مرحله است که به موجب آن، کودک تصور می‌کند اشیای بی‌جان (مانند اسباب‌بازی‌ها و خرس‌های عروسکی) دارای احساسات و افکار انسانی هستند. در مرحله پیش عملیاتی رشد شناختی دنیای طبیعی برای کودک زنده است و دارای آگاهی و هدف است. پیازه چهار مرحله از جاندار پنداری را شناسایی کرده است:

۱. تا سن ۴ یا ۵ سالگی، کودک معتقد است که تقریباً همه چیز زنده است و هدف دارد. (این مرحله منطبق با گروه سنی مورد مطالعه در این پژوهش است.)

۲. در مرحله دوم (۵-۷ سال)، صرفاً اشیائی که حرکت می‌کنند برای کودک دارای یک هدف هستند.

۳. در مرحله بعدی (۷-۹ سال)، صرفاً اشیائی که به صورت خود به خودی حرکت می‌کنند، زنده تصور می‌شوند.

۴. در مرحله آخر (۹-۱۲ سال)، کودک می‌داند که تنها گیاهان و حیوانات زنده هستند (سینگر و رونسن، ۱۳۷۷: ۲۳-۳۷). همچنین دوران کودکی آغاز مرحله رشد ادراکی است. ادراک نیز اولین مرحله از فرآیند خلاقیت است. طی سال‌های اولیه زندگی و همزمان با رشد توانایی‌های جسمی به تدریج توانایی‌های ذهنی کودک نیز تقویت می‌شود. (نصراله‌زاده و دیگران ۱۳۹۵). در جدول شماره ۱، مراحل رشد ادراک و شکوفایی خلاقیت کودک نشان داده شده است؛

جدول شماره ۱: رشد ادراک و شکوفایی خلاقیت (مأخذ: حسینی، ۱۳۸۰)

آغاز تشکیل شخصیت	آغاز تخیل	۳ سالگی
استدلال و منطقی	آغاز رشد اراده	۴ سالگی
رشد قابلیت ادراکی و شناختی	آغاز رشد ادراک	۵ سالگی
تخیل و خیالپردازی	کنجکاوی شدید	۵ و ۶ سالگی

چنانکه گفته شد، پیازه نقاشی را به‌عنوان شاهدهی برای نظریه خود درباره نمایش تکامل جهان توسط کودکان در نظر می‌گیرد. در واقع می‌توان گفت که نقاشی چیزی حد فاصل بازی و تصویر ذهنی است و همان‌طور که پیازه می‌نویسد کوششی برای بازنمایی دنیای واقعی به شمار می‌رود (سیلکر، ۱۳۷۰: ۸۳). همین ویژگی، امکان گفتگو از طریق نقاشی را ممکن می‌سازد. گفتگویی نه از طریق به‌کارگیری واژه‌های معمول در سخن گفتن، بلکه از طریق رنگ-ها، فرم‌ها و ترکیب‌بندی‌ها، به‌طوری که بتوان درباره معنای آن به بحث و تفسیر پرداخت. در واقع اثر نقاشی برای ما به منزله متنی است که نمی‌تواند خالی از معنا باشد. از همین رو می‌توان از آن به‌عنوان ابزار سودمندی برای پرورش و آموزش اندیشیدن سود جست (فخرایی، ۱۳۸۹: ۷۸). لذا نظریه پیازه به‌عنوان رویکرد این پژوهش در نظر گرفته شده و گروه سنی ۳ تا ۵ سال و مرحله پیش عملیاتی از مراحل رشد در نظریه پیازه در توصیف و تحلیل مضامین خلاق در نقاشی‌های کودکان بهره گرفته شده است.

۶. روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش با اتکا بر تحلیل مضمون (تحلیل تماتیک) که یکی از روش‌های بنیادین تحلیل کیفی بوده و برای بیان واقعیت و تبیین آن به کار می‌رود، متون منتخب خود یعنی مضامین نقاشی‌های کودکان سه تا پنج سال را مطالعه می‌کند. در این روش، نخست خرده‌مضامین از خلال بررسی هر نقاشی، شناسایی و برای دستیابی به شبکه مضامین، گروه‌بندی می‌شوند تا در نهایت مضامین کلی‌تر، شناسایی و طبقه‌بندی گردد. تحلیل مضمون، یک روش رایج در تحقیقات کیفی و روشی «برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. این روش، فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌هایی غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند» (Braun & Clarke, 2006). فرایند تحلیل مضمون متکی است بر مشاهده متن (در اینجا تصاویر) و فهم اطلاعات گوناگونی که ارتباط ظاهری ندارند، همچنین مشاهده نظام‌مند این متون و تحلیل کیفی اطلاعات و در صورت لزوم تبدیل داده‌های کیفی به داده‌های کمی (Boyatzis, 1998: 4). در این پژوهش، کل داده‌ها و منابع (تصاویر)، تحلیل مضمون می‌شوند تا امکان تفسیر کلی آنها فراهم آید. در روش تحلیل مضمون «به بافت داده‌ها و نکات ظریف آن بیشتر توجه شده و از شمارش کلمات و عبارات آشکار فراتر می‌رود و بر شناخت و توضیح ایده‌های صریح و ضمنی تمرکز می‌کند. سپس از کدهای مضامین اصلی برای تحلیل عمیق‌تر داده‌ها استفاده می‌شود. در تحلیل مضمون می‌توان از فراوانی نسبی مضامین برای مقایسه آنها و تهیه ماتریس مضامین و ترسیم شبکه مضامین استفاده کرد. از میان ابزارها و روش‌های تحلیلی تحلیل مضمون که عبارتند از: «کاربرد ابزار رایانه‌ای، قالب مضامین، ماتریس مضامین شبکه مضامین و تحلیل مقایسه‌ای» روش تحلیلی «شبکه مضامین» برای تحلیل مضمون در این پژوهش انتخاب شده است. تحلیل مضمون تصاویر در این پژوهش در سه مرحله انجام خواهد شد که عبارتند از: «تجزیه و توصیف تصویر، تشریح و تفسیر تصویر و ادغام و یکپارچه‌کردن مجدد. در حالی که همه این مراحل با تفسیر و تحلیل همراه است اما در هر مرحله از تحلیل، سطح بالاتری از انتزاع به دست می‌آید» (Attride-Stirling, 2001:177). در نتیجه این فرایند، گزارشی از محتواها و معانی تولیدشده در این تصاویر فراهم خواهد آمد که مبتنی بر الگوها و مضامین داده‌های اولیه است.

- فنون تحلیل داده‌ها:

داده‌های اصلی در این پژوهش، مضامین هستند که در شبکه مضامین تحلیل خواهند شد. تم یا مضمون، عبارت از موضوع، مساله یا پرسشی است که مستقیم و غیرمستقیم تکرار می‌شود. تحلیل مضامین در مطالب انتشار یافته در مجلات منتخب، از طریق مطالعه و دستیابی به الگوهای تکراری معنادار با توجه به روایی (صحت و اعتبار) و نیز پایداری (قابلیت اطمینان) آنها انجام خواهد شد. استخراج مضامین «پایه»، مضامین «سازمان‌دهنده» و مضامین «فراگیر»، تصویری از کل مضامین را به دست خواهد داد که روابط آنها با یکدیگر در قالب یک شبکه مشخص می‌گردد. مضامین پایه، کدها و نکات کلیدی موجود در متن هستند. مضامین سازمان‌دهنده، حاصل تلخیص و ترکیب مضامین پایه است. مضامین فراگیر نیز مضامینی است که اصول حاکم بر متن به مثابه یک کل را مشخص می‌نماید.

بر این اساس با مطالعه متون مجلات منتخب، تا جایی که اشباع نظری حاصل گردد، نخست مضامین پایه شناسایی و دسته‌بندی شده و با خلاصه‌سازی آنها، مفاهیم یا اصول کلی تری به دست می‌آید. این مفاهیم کلی، به مضامینی اساسی‌تر تبدیل می‌گردند که مضمون‌های کلی و حاکم بر متن را نمایندگی می‌کنند.

در این پژوهش تحلیل مضمون با استفاده از شبکه مضامین انجام خواهد شد. بدین نحو که مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر، در یک شبکه ترسیم شده و مضامین برجسته‌تر در هر سطح، همراه با روابط میان آنها نشان داده می‌شود. جدول ذیل فرایند به کارگیری روش تحلیل مضمون در این پژوهش نشان داده شده است. این جدول بر اساس «فرایند گام‌به‌گام تحلیل مضمون و تحلیل شبکه مضامین» تألیف (عابدی جعفری و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۷۸) طراحی و ارائه شده است؛

جدول شماره ۲: فرایند گام‌به‌گام تحلیل مضمون و تحلیل شبکه مضامین

مرحله	گام	اقدام
تجزیه و توصیف تصویر	آشنا شدن با متن	مطالعه اولیه داده‌ها مکتوب کردن داده‌ها نوشتن ایده اولیه
	ایجاد کدهای اولیه و کدگذاری	پیشنهاد چارچوب کدگذاری و تهیه قالب مضامین تفکیک متن به بخش‌های کوچک‌تر کدگذاری ویژگی‌های جالب داده‌ها

تطبیق دادن کدها با قالب مضامین استخراج مضامین از بخش‌های کدگذاشته تصاویر پالایش و بازبینی مضامین	جستجو و شناخت مضامین	
بررسی و کنترل همخوانی مضامین با کدهای مستخرج مرتب کردن مضامین انتخاب مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر تعریف و نام‌گذاری مضامین	تحلیل شبکه مضامین	تشریح و تفسیر تصویر
تلخیص شبکه مضامین و بیان مختصر و صریح آن استخراج نمونه‌های جالب داده‌ها نگارش گزارش علمی و تخصصی از تحلیل‌ها	تدوین گزارش	ترکیب و ادغام

شیوه گردآوری اطلاعات در این پژوهش کتابخانه‌ای و میدانی است و جامعه آماری پژوهش شامل مهدکودک‌های شهر تهران و حجم نمونه شامل ۱۰۰ کودک از ده مهدکودک در مناطق یک، دو، هفت، دوازده و چهارده تهران (در سال تحصیلی ۹۶-۹۵) است. نمونه-گیری به صورت تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای انجام شده است. لازم به ذکر است که نقاشی کودکان از نظر اجرا در یک طبقه بندی شامل انواع زیر است:

۱. نقاشی محدود یا دیکته شده: در این نوع نقاشی از کودک خواسته می‌شود که موضوع معینی را برای ما نقاشی کند. این قبیل نقاشی‌ها از نظر تشخیصی کارایی چندانی ندارد و بیشتر در ارزشیابی از میزان مهارت‌های هنری کودکان و نوجوانان از آن‌ها می‌توان استفاده کرد.

۲. نقاشی آزاد: در این قبیل نقاشی‌ها، کودک به دلخواه خود و آزادانه موضوع را انتخاب می‌کند. چنانچه هدف از نقاشی کودکان پی‌بردن به ویژگی‌های شخصیتی و عاطفی کودک باشد، این نوع نقاشی کاربرد بیشتری دارد.





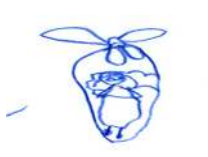





۳. نقاشی ترکیبی: در این نوع نقاشی ضمن آزاد گذاشتن کودک در بعضی جاها نکاتی دیکته می‌شود.

در این پژوهش از روش سوم یعنی نقاشی ترکیبی استفاده شده است. بدین معنی که از کودکان خواسته شد تا یک حیوان را نقاشی کنند اما در انتخاب نوع حیوان و تکنیک اجرا آزادی عمل به ایشان داده شد. در نهایت مضامین آثار خلق شده توسط این کودکان، پس از کد گذاری و طبقه‌بندی بر اساس شاخصه‌های خلاقیت مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.


۷. بررسی مضامین خلاق در نقاشی کودکان












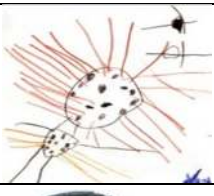


در این پژوهش که هدف اصلی آن تبیین ویژگی‌های تفکر خلاق در نقاشی کودکان سه تا پنج ساله است، بیش از ۱۰۰ اثر نقاشی کودکان مورد مطالعه قرار گرفته است. ابتدا تلاش شده تا ضمن مروری کلی، ویژگی‌های شاخص این آثار معرفی شود و پس از آن، هر یک از مؤلفه‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و در نهایت، نتایج حاصل در قالب جدول و نمودار ارائه شده است.

جدول شماره ۳: معرفی آثار مورد بررسی (مأخذ: نگارنده)




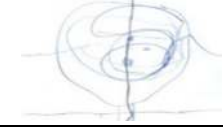



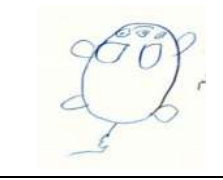



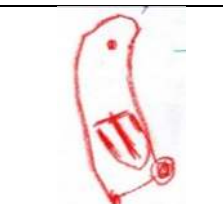


تصویر	کاراکتر	سن	تصویر	کاراکتر	سن	تصویر	کاراکتر
	۵ ساله	بچه کوچولو ی پرنده	۲		۳ ساله	دابناسور	
	۵ ساله	پرنده به شکل کودک	۴		۵ ساله	مورچه بالدار	
	۵ ساله	آینه جادو	۶		۳ ساله	دریا	
	۳ ساله	لولو	۸		۳ ساله	بی نام	
	۳ ساله	بی نام	۱۰		۴ ساله	بی نام	

تحلیل جنبه‌های تفکر خلاقانه در نقاشی کودکان ۳ تا ۵ سال ... ۱۳۱















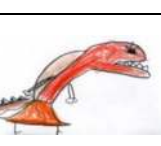
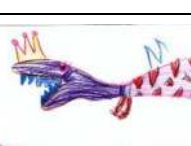
بی نام			۱۲	بی نام			۱۱
بی نام	۳ ساله		۱۴	بی نام	۳ ساله		۱۳
بی نام	۴ ساله		۱۶	بی نام	۳ ساله		۱۵
بی نام			۱۸	بی نام			۱۷
بی نام	۳ ساله		۲۰	بی نام	۳ ساله		۱۹
بی نام	۳ ساله		۲۲	بی نام	۳ ساله		۲۱
تمساح			۲۴	گرگ	۳ ساله		۲۳

شیر	۳ ساله		۲۶	شیر	۳ ساله		۲۵
شیر	۳ ساله		۲۸	شیر	۳ ساله		۲۷
شیر	۳ ساله		۳۰	شیر	۳ ساله		۲۹
شیر	۵ ساله		۳۲	هشت پا	۴ سال		۳۱
فیل	۳ ساله		۳۴	شیر	۳ ساله		۳۳
دایناسور			۳۶	دایناسور	۵ ساله		۳۵
دایناسور	۵ ساله		۳۸	دایناسور	۴ ساله		۳۷


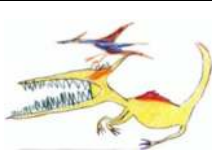












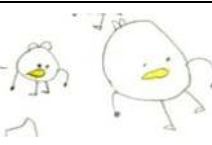
تحلیل جنبه‌های تفکر خلاقانه در نقاشی کودکان ۳ تا ۵ سال ... ۱۳۳

هشت پا			۴۰	هشت پا			۳۹
هشت پا			۴۲	هشت پا			۴۱
دایناسور	۳ ساله		۴۴	دایناسور	۳ ساله		۴۳
گریه بالدار	۵		۴۶	موش سه چشم	۵ ساله		۴۵
ببر سه پا	۶ ساله		۴۸	موش بالدار	۵ ساله		۴۷
ماهی			۵۰	نهنگ			۴۹
شیر			۵۲	شیر	۵ ساله		۵۱

۱۳۴ تفکر و کودک، سال دهم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۸

گوسفند	-		۵۴	فیلی که تمام حیوانات را خورده	۴ سال		۵۳
شیر	۵		۵۶	شیر	۴ ساله		۵۵
هشت پا			۵۸	هشت پا			۵۷
هشت پا	۵		۶۰	هشت پا			۵۹
شیر	۵		۶۲	دایناسور	۵ ساله		۶۱
دایناسور	۵		۶۴	گریه	۳/۵		۶۳
دایناسور	۵ ساله		۶۶	دایناسور	۳ ساله		۶۵
دایناسور	۳/۵		۶۸	دایناسور	۵		۶۷

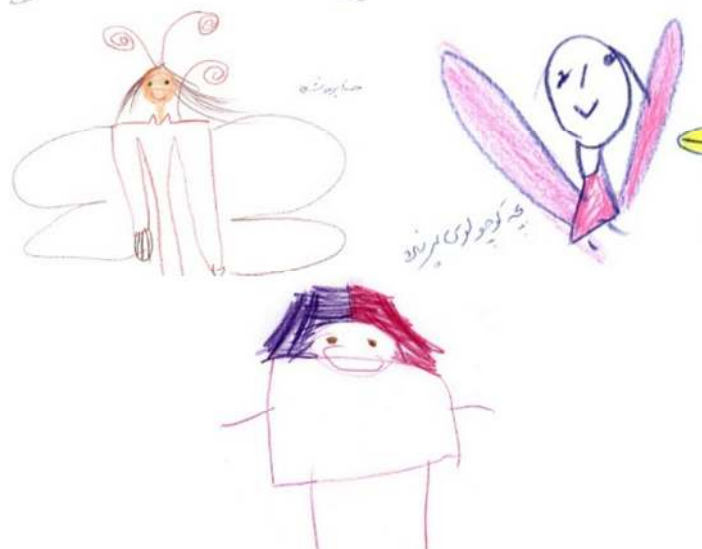
تحلیل جنبه‌های تفکر خلاقانه در نقاشی کودکان ۳ تا ۵ سال ... ۱۳۵

اژدها	۵		۷۰	اژدها	۵		۶۹
شیر	۳ ساله		۷۲	هشت پا	۵ ساله		۷۱
دایناسور بالدار	۵ ساله		۷۴	دایناسور	۵ ساله		۷۳
دایناسور	۵ ساله		۷۶	دایناسور	۵ ساله		۷۵
دایناسور پرنده	۵ ساله		۷۸	شیر	۵		۷۷
موجود خیالی	۵ ساله		۸۰	زامبی	-		۷۹
موجود خیالی			۸۲	موجود خیالی	۵ ساله		۸۱
				موجود خیالی	۵ ساله		۸۳

در ادامه بحث، ویژگی‌های شاخص آثار ارائه شده در جدول فوق مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است؛

۱.۷ عدم تفکیک میان انسان و حیوان

چنانچه در شکل‌های ارائه شده در ردیف ۱ تا ۳ جدول مشاهده می‌شود، گویا کودک در این سن هنوز تصور واضحی از مرز میان خود و حیوانات ندارد. در تصویر ۱ سمت راست، یکی از کودکان، شکلی را ترسیم کرده و سپس آن را بچه کوچولوی پرنده نامید و کودکی دیگر اشاره کرد که خود را به شکل پرنده کشیده است. یکی دیگر از کودکان نیز دایناسوری را در قامت انسان به تصویر در آورده است که در سمت چپ دیده می‌شود.



تصویر ۱: عدم تفکیک میان خود و سایر جانداران

۲.۷ عدم تفکیک میان حشرات و حیوانات

در برخی از نقاشی‌های کودکان، کودک تمایزی میان حشرات و حیوانات قائل نبوده و در حالی که از آنها درخواست شده بود که حیوانی را ترسیم کنند، کودکان تصویری از یک

تحلیل جنبه‌های تفکر خلاقانه در نقاشی کودکان ۳ تا ۵ سال ... ۱۳۷

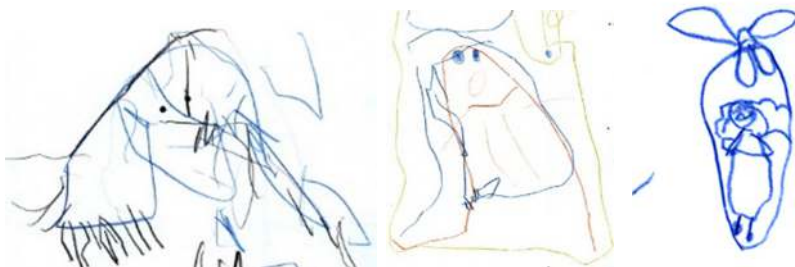
حشره را ارائه دادند. برای مثال چنانکه در تصویر ۲ مشاهده می‌شود، کودک در تلاش برای طراحی مورچه ای بالدار برآمده است.



تصویر ۲: عدم تفکیک میان حشرات و حیوانات

۳.۷ عدم تفکیک میان اشیا و حیوانات

برخی کودکان در این سن، نه تنها میان انسان، حیوانات و حشرات تمایزی قائل نیستند، بلکه حتی گاه موجودات خیالی یا بی‌جان را جاندار پنداشته و تفاوت و مرزی میان آنها قائل نیستند. در تصویر ۳ سمت راست، کودک تصویری ارائه داده که خود عنوان «آینه جادو» را بر آن نهاده است و در شکل میانی، کودک عنوان موجود خیالی خود را «دریا» گذاشته و شکل سمت چپ را «لولو» نامیده است.

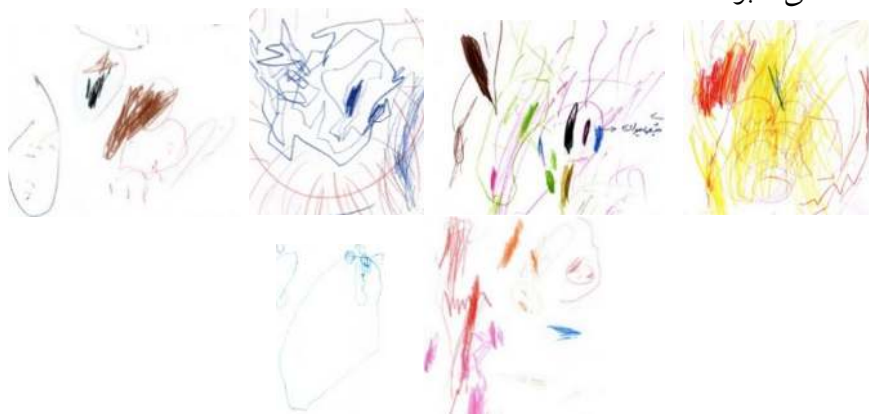


تصویر ۳: عدم تفکیک میان جانداران و موجودات بی‌جان (از راست به چپ: آینه جادو، دریا، لولو)

۴.۷ طرح موجودات فاقد نام

نکته قابل توجه دیگری که مشاهده شد این بود که برخی از کودکان، هنگامی که از ایشان خواسته شد تا حیوانی را تصویر کنند، اقدام به ترسیم تصاویری فاقد نام، فاقد شکل و فاقد

هویت خاص نمودند. در تصویر ۴ سمت راست، کودک عنوان داشته است که موجودی را به تصویر درآورده که بر روی سر خود آتش دارد و در تصویر سمت چپ، کودک با استفاده از دو رنگ متفاوت، اظهار داشت که در صدد به تصویر در آوردن دو حیوان مختلف بوده است. استفاده از خطوط بریده بریده و رنگ‌های مختلف، از ویژگی‌های این-گونه نقاشی‌ها بوده است.



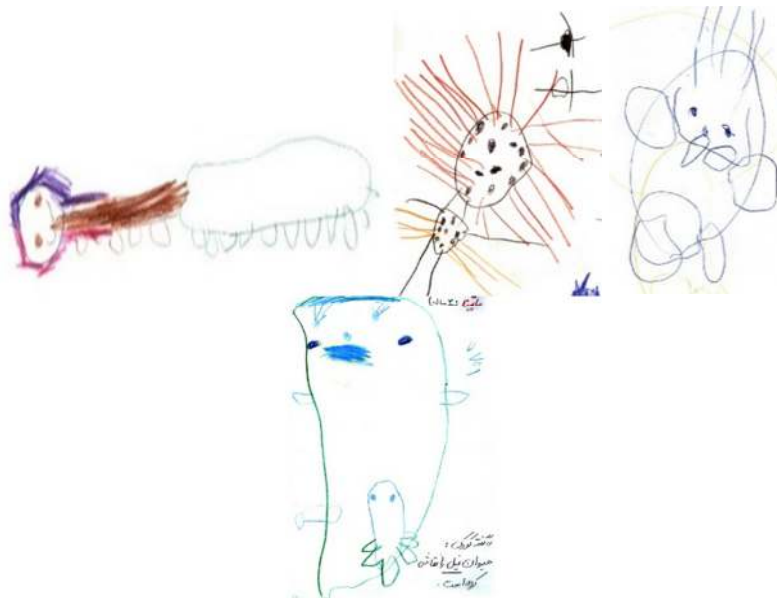
تصویر ۴: طرح موجودات بی‌نام

۵.۷ عدم وفاداری به واقعیت

یکی دیگر از نکات قابل تأمل در تعداد زیادی از نقاشی‌های کودکان، عدم وفاداری ایشان بر واقعیت بیرونی، و تکیه بر تخیل و احساس شخصی و درونی است. در این‌گونه موارد، قدرت تخیل کودک، باعث خلق تصاویری انتزاعی شده است. گاهی کودک در صدد کشیدن موجودی بود اما حاصل کار شبیه به موجودی دیگر شده است. در واقع کودک، تصویر ذهنی خود از موجود را ارائه داده و و تلاش داشته تا احساس خود را با استفاده از خط، نقطه و رنگ بیان کند. وفاداری به ذهنیت به جای الگوبرداری از واقعیت، تمام دغدغه کودکان در این‌گونه آثار بوده است. خطوط بریده بریده، نشان از ذهن جستجوگر کودک دارد و می‌توان مشاهده نمود که تأثیرات ذهن و تخیل کودکان در ترسیمات خلاقشان بروز یافته است. چنانکه در تصاویر ۵ و ۶ ملاحظه می‌شود، کودک ترسیم خود را خرگوش، تمساح، فیل یا هشت‌پا نامیده درحالی‌که نتیجه‌ی کار بسیار متفاوت از واقعیت است و تأکید

تحلیل جنبه‌های تفکر خلاقانه در نقاشی کودکان ۳ تا ۵ سال ... ۱۳۹

کودک بر استفاده از رنگ‌های مختلف، و وفادار نبودن بر طرح و موضوع اصلی، بسیار مشهود است.



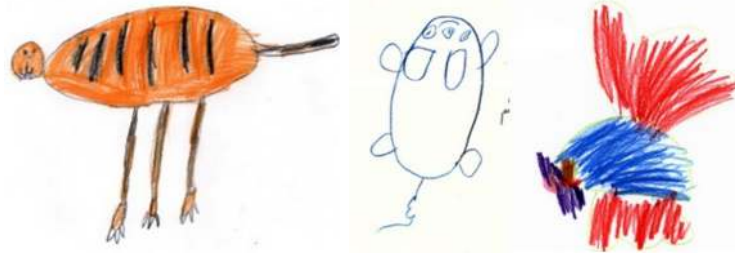
تصویر ۵: به ترتیب از راست به چپ: خرگوش، دایناسور، تمساح و فیل



تصویر ۶: به ترتیب از راست به چپ: هشت‌پا، دایناسور، گرگ و شیر

۶.۷ افزودن ویژگی‌های خاص به حیوانات

در برخی از تصاویر، کودک با بهره‌گیری از تفکر خلاق خود، ویژگی‌های خاصی را به حیوانات بخشیده است. برای مثال همان‌گونه که در تصویر ۷ ملاحظه می‌شود، کودک نقاشی خود را موش بالدار، گربه سه چشم و یا ببر سه پا نامیده است.



تصویر ۷: به ترتیب از راست به چپ: موش بالدار، گربه سه چشم، ببر سه پا

۷.۷ زاویه دید بدیع

انتخاب زاویه دید بدیع و غیرمتعارف، از دیگر نکات قابل تأمل در نقاشی‌های کودکان است. برای مثال ترسیم صورت شیر و یا ماهی از روبرو، ترسیم نهنگ به صورت عمودی در حالی که به صورت عادی انتظار می‌رود که به صورت افقی ترسیم شود و یا تجسم فیلی که تمام موجودات را خورده است (تصویر ۸) از جمله خلاقیت‌های کودکان در انتخاب زاویه دید است.



تصویر ۸: به ترتیب از راست به چپ: شیر، نهنگ، ماهی، فیل که تمام حیوانات را خورده است.

۸.۷ استفاده خلاقانه و غیرمتعارف از رنگ‌ها

نحوه استفاده از رنگ‌ها نیز در آثار کودکان، متفاوت از دنیای واقعیت و متکی بر احساس و ذهنیت ایشان است. گوسفند سیاه (در حالی که در واقعیت و یا تصاویر داستانی، گوسفند به رنگ سفید دیده می‌شود)، شیر چند رنگ و یا هشت پای رنگارنگ (تصویر ۹) نشان‌دهنده عدم وفاداری کودک به واقعیت رنگها و بهره‌گیری از خلاقیت در ترسیم است. استفاده از رنگ‌های خالص و شفاف و غیرترکیبی در این آثار قابل توجه است.



تصویر ۹: استفاده خلاقانه از رنگ‌ها

۹.۷ نمود نشاط و شادی

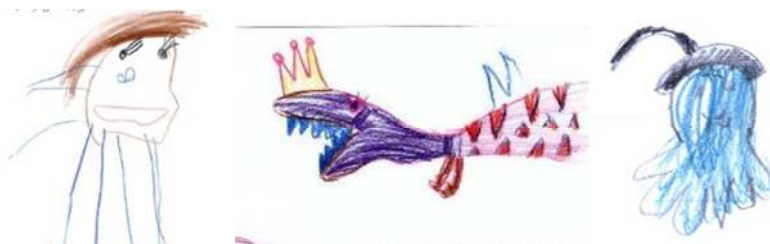
از دیگر شاخصه‌های آثار کودکان در ترسیم حیوانات، نمود نشاط در نقاشی‌های آنان است. در برخی تصاویر، القاء شادی با ترسیم لبخند بر چهره حیوانات دیده می‌شود. در برخی دیگر از نقاشی‌ها، حس شادی با تغییر در حالت موجود و مثلاً ترسیم دست‌ها در بالا (شبییه حالت رقصیدن) انتقال داده شده است (تصویر ۱۰). استفاده از لبخند در تمامی آثار حتی هنگام ترسیم حیوانات درنده و در صحنه‌های نبرد ایشان نیز به چشم می‌خورد.



تصویر ۱۰: القاء حس شادی و نشاط

۱۰.۷ شخصیت‌پردازی

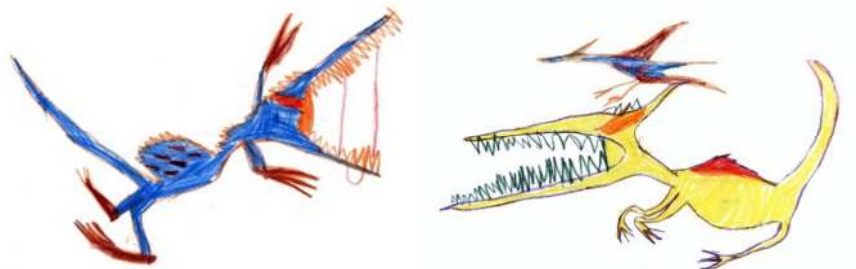
برخی از کودکان تبحر ویژه‌ای در شخصیت‌پردازی کاراکترهای حیوانی بروز دادند. برای مثال استفاده از کلاه در ترسیم هشت‌پا، توجه به مدل مو، ابروها و بینی در تصویر شیر و استفاده از تاج و لباس رنگارنگ در ترسیم دایناسور (تصویر ۱۱)، شخصیتی ویژه به این آثار بخشیده است.



تصویر ۱۱: خلق کاراکترهای متنوع در ترسیم هشت‌پا، دایناسور و شیر

تحلیل جنبه‌های تفکر خلاقانه در نقاشی کودکان ۳ تا ۵ سال ... ۱۴۳

و یا کاراکترهای قدرتمند و خشمگین در نمایش درگیری بین حیوانات و خلق صحنه-
های جنگی (تصویر ۱۲)



تصویر ۱۲: خلق کاراکترهای قدرتمند و خشمگین در صحنه نبرد

۱۱.۷ تأثیرپذیری از کمیک‌ها و انیمیشن‌های تخیلی

تأثیرات کارتونها و انیمیشن‌های کودکانه در برخی از طراحی کودکان مشهود است. از نمونه تصاویری که می‌توان به صورت مستقیم ذیل این موضوع بررسی کرد، نقاشی‌هایی با موضوع زامبی و یا موجودات فضایی هستند (تصاویر ۱۳ و ۱۴). این تصاویر با نسخه‌های آشنا در فیلم‌ها و انیمیشن‌ها تشابه دارد.



تصویر ۱۳: به ترتیب از راست به چپ: زامبی، موجودات فضایی



تصویر ۱۴: موجودات فضایی

۸. نتیجه‌گیری

نقاشی زبانی است که کودک از طریق آن احساس و اندیشه خود را بیان می‌کند. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که کودکان به دلیل داشتن اندیشه جهت داده نشده و همچنین به دلیل وجود دیدگاه‌های بدیع در هنگام نقاشی، استفاده‌ای مبتکرانه از رنگ و خط، ترسیم شکل‌ها و نهایتاً رساندن منظور خود دارند. در واقع همین خلاقیت، نه تنها در شکل بصری، بلکه به صورت کلی در مفهوم کار نیز ایجاد می‌شود.

عدم تفکیک میان انسان و حیوان، حشرات و اشیا، تجسم ویژگی‌های انسانی برای آنها، عدم وفاداری به دنیای واقعی (عدم بازنمایی دنیای واقعی) طرح موجودات کاملاً خیالی و یا حیوانات منقرض شده، افزودن ویژگی‌های خاص به حیوانات (موش بالدار، گربه سه چشم، ببر سه پا) زاویه دید بدیع (طراحی صورت شیر و ماهی از روبرو، نهنگ به شکل عمودی)، تأثیرپذیری از کمیک‌ها و انیمیشن‌ها (زامبی‌ها، موجودات فضایی)، عدم وفاداری به بازنمایی و تلاش در بیان احساس با استفاده از خطوط، رنگ‌ها و نقاط، وفاداری به تخیل و برداشت و احساس شخصی به جای تلاش برای بازنمایی واقعیت بیرونی، نمود نشاط و شادی در تصاویر، تمامی اینها نشانگر آن است که کودکان در این سن، بیش از آنکه به بازنمایی دنیای بیرون وفاداری نشان دهند، درگیر دنیای ذهنی و درونی و برداشت احساسی و تخیلی خود بوده و در پی بیان اندیشه خویش از طریق خط و رنگ با نگاهی تازه و بدیع و شیوه‌هایی خلاقانه هستند. در جدول شماره چهار، نتایج بحث به تفکیک به همراه نمونه‌های مورد بررسی ارائه شده است:

جدول شماره ۴- توصیف ویژگی‌های خلاقانه آثار مورد بررسی (مأخذ: نگارنده)

مضمون	نام و ویژگی‌های کاراکتر	تصویر
۱	عدم تفکیک میان انسان و حیوان	
۲	عدم تفکیک میان حیوان و حشرات	
۳	عدم تفکیک میان اشیا و حیوانات	
۴	موجودات فاقد نام	
۵	عدم وفاداری به بازنمایی و تلاش	
۶	افزودن ویژگی‌های خاص به حیوانات	

	<p>- نهنگ به صورت عمودی - صورت شیر از روبرو - صورت ماهی از روبرو - فیلی که حیوانات را خورده</p>	<p>زاویه دید بدیع</p>	<p>۷</p>
	<p>- متفاوت از دنیای واقعیت، متکی بر احساس و ذهنیت و استفاده از رنگ‌های خالص: گوسفند سیاه، هشت‌پای رنگارنگ</p>	<p>استفاده خلاقانه از رنگها</p>	<p>۸</p>
	<p>- استفاده از لبخند در تمامی آثار حتی حیوانات درنده و استفاده از رنگهای شاد و شکل‌های رقصان: دایناسور، هشت‌پا</p>	<p>نمود نشاط در نقاشی کودکان</p>	<p>۹</p>
	<p>- خلق کاراکترهای قدرتمند و خشمگین استفاده از کلاه، توجه به مدل مو، ابروها و بینی و استفاده از تاج و لباس: هشت‌پا، شیر و دایناسور</p>	<p>شخصیت- پردازی</p>	<p>۱۰</p>
	<p>- زامبی - موجودات فضایی</p>	<p>تأثیرپذیری از کمیک‌ها و</p>	<p>۱۱</p>

کتاب‌نامه

آیزنک، مایکل دبلیو (۱۳۷۵). روانشناسی شادی (حقایق و افسانه‌ها)، ترجمه: مهرداد فیروزبخت، تهران: انتشارات بدر.

افسرپور، علی (۱۳۹۵). طراحی گرافیک برای تبلیغات، تهران: نشر فاطمی.

تحلیل جنبه‌های تفکر خلاقانه در نقاشی کودکان ۳ تا ۵ سال ... ۱۴۷

افضل طوسی، عفت‌السادات، طاهری، محبوبه (۱۳۹۱). «استعاره تصویری، تجلی خلاقیت در تبلیغات تجاری»، نشریه نامه هنرهای تجسمی و کاربردی، دوره ۵، شماره ۱۰. صص ۱۲۱-۱۰۷.

اکبر حلوابی، اعظم (۱۳۸۵). «نقاشی کودکان را جدی بگیریم»، رشد آموزش هنر، سال چهارم، شماره ۶، صص ۱۲-۱۷.

برون، سارا و دیگران (۱۳۹۲). «تأثیر آموزش حل خلاق مسئله بر مؤلفه‌های خلاقیت دانش آموزان»، نشریه ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی، دوره دوم، شماره ۴، صص ۵۵ تا ۷۱.

بهرامی، هادی (۱۳۷۲). کاربرد بالینی و تشخیص آزمون‌های فرافکنی شخصیت، تهران: نشر دانا.

پاشا، حسن (۱۳۷۲). «مروری بر کارکردهای نقاشی کودک»، مجله رشد معلم، شماره ۹۳. صص ۲۸-۳۶. پژوهشی، اردشیر (۱۳۷۳) «تکنیک‌های نقاشی در دوره ابتدایی: موضوع نقاشی»، نشریه رشد معلم، شماره ۱۰۸، صص ۸۴-۳۵.

پیاز، ژان، اینهلدر، باربل (۱۳۹۸). روانشناسی کودک، ترجمه توفیق زینت، تهران: نشر نی.

پیاز، ژان (1382). شکل‌گیری نماد در کودکان، ترجمه زینت توفیق، تهران: نشر نی.

پیرخافی، علیرضا (۱۳۸۷). خلاقیت (مبانی و روش‌های پرورشی)، تهران: نشر هزاره ققنوس.

توماس، گلین و سیلک، آنجل. ام. جی (۱۳۹۲). مقدمه‌ای بر روانشناسی نقاشی کودکان، ترجمه محمدتقی فرامرزی، تهران: نشر دنیای نو.

جعفر طباطبایی، تکتم؛ جعفر طباطبایی، سمانه (۱۳۸۳). «هنگامه‌ها نقاشی کودکان»، تازه‌های روان‌درمانی، شماره ۳۱ و ۳۲، صص ۱۸-۳۲.

حسینی، افضل‌السادات و سیده زهره محمدزاده (۱۳۹۵). «اثر بخشی برنامه آموزش خلاقیت در قالب فعالیت‌های هنری بر رشد خلاقیت دانش‌آموزان»، فصلنامه علمی، پژوهشی ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی، دوره ششم، شماره یک، تابستان ۹۵. صص ۱۰۹-۱۳۰.

حسینی، افضل‌السادات (۱۳۸۰). «مدیریت خلاقیت و خلاقیت در مدیریت»، نشریه رهیافت، شماره ۲۶. صص ۵-۱۶.

حسینی، افضل‌السادات (۱۳۸۸). ماهیت خلاقیت و شیوه‌های پرورش آن، مشهد: نشر آستان قدس رضوی.

دادستان، پریخ (۱۳۷۴). ارزشیابی شخصیت کودکان بر اساس آزمون‌های ترسیمی، تهران: انتشارات رشد.

دافی، برنات (۱۳۸۰). تشویق خلاقیت و تخیل در کودکان، ترجمه مهشید یاسایی، تهران: انتشارات ققنوس.

ریو، مارشال (۱۳۶۷). انگیزش و هیجان، ترجمه یحیی سیدمحمدی، تهران: انتشارات ویرایش.

سیلکر، آنجل. ام. جی (1370) مقدمه‌ای بر روانشناسی نقاشی کودکان، ترجمه عباس مخبر، تهران: طرح نو.

سینگر، دورتی جی؛ و تریسی آ. رونسن (۱۳۷۷). کودک چگونه فکر می کند، ترجمه مصطفی کریمی، تهران: آموزش.

عابدی جعفری، حسن و دیگران (۱۳۹۰) «تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی»، اندیشه مدیریت راهبردی، سال پنجم، شماره ۲، صص ۵۱-۱۹۸.

عنایتی، الهه و احمد عابدی (۱۳۹۵). «فرا تحلیل اثربخشی مداخلات آموزشی بر خلاقیت دانش آموزان»، فصلنامه ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی، دوره ششم، شماره یک، صص ۱۱-۱.

فخرایی، الهام (۱۳۸۹). «فلسفه برای کودکان: گامی به سوی پیوند فلسفه با جامعه»، نشریه تفکر و کودک، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال اول، شماره اول، صص ۶۹-۸۱.

فراری، آنالیور (۱۳۹۴). نقاشی کودکان و مفاهیم آن، ترجمه عبدالرضا صرافان، تهران: نشر داستان.

فرج‌اللهی، م.؛ تاجی، پ.؛ موسوی، س. (۱۳۸۹). «شناسایی عوامل موثر در پرورش خلاقیت دانش آموزان مقطع راهنمایی از دیدگاه دبیران، مدیران و کارشناسان آموزش اداره منطقه شش آموزش و پرورش استان تهران». نشریه تفکر و کودک، شماره ۲، صص ۸۳-۱۰۰.

فرخ مهر، حسین (۱۳۹۲). پرورش خلاقیت کودکان در خانه و مدرسه، اصفهان: نشر هشت بهشت.

فیروزبخت، پریسا (۱۳۹۶). «استفاده از جنبه‌های تصویرگرانه نقاشی کودکان گروه سنی الف در طراحی مسکات برای برندهای تجاری ایرانی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: دکتر فرزانه فرشیدنیک، ساوه: موسسه آموزش عالی ناصر خسرو.

فیشر، رابرت (۱۳۸۵) آموزش تفکر به کودکان، ترجمه مسعود صفایی مقدم و افسانه نجاریان، اهواز: رسش.

گلستان‌هاشمی، سیدمهدی (۱۳۸۲). مقدمه‌ای بر علم خلاقیت‌شناسی (دانش خلاقیت و نوآوری)، اصفهان: نشر جهاد دانشگاهی.

مارنات، گری گرث (۱۳۹۶). راهنمای سنجش روانی، ترجمه پاشا شریفی و محمدرضا نیکخو، تهران: نشر سخن.

ماکسول، م. (۱۳۷۱). روانشناختی خلاقیت، ترجمه قرچه‌داغی، تهران: انتشارات شباهنگ.

محمدی صبا، جواد (۱۳۹۱)، «نقاشی کودکان و نقش آن در پرورش خلاقیت»، رشد آموزش هنر، شماره ۴، صص ۳۶-۴۱.

محمدی، طاهره (۱۳۶۹)، تفاوت‌های فردی در نقاشی کودکان، رشد آموزش علوم اجتماعی، شماره ۶ و ۷، صص ۱۰-۲۱.

مصا‌برپور، مهتاب (۱۳۹۲). نقاشی کودک و مفاهیم آن، تهران: نشر پلک.

منصور، محمود و دادستان، پریخ (۱۳۸۰). دیدگاه پیاژه، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

نصراله‌زاده، ستوده و دیگران (۱۳۹۵). «تأثیر محیط، رنگ و بازی بر روی رشد و خلاقیت کودکان»، سومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش در علوم و تکنولوژی، برلین، آلمان.

تحلیل جنبه‌های تفکر خلاقانه در نقاشی کودکان ۳ تا ۵ سال ... ۱۴۹

هنفلینگ، اسوالد (۱۳۸۶). چیستی هنر، ترجمه علی رامین، تهران: هرمس.

Attride-Stirling, J. (2001), "Thematic Networks: An Analytic Tool for Qualitative Research", *Qualitative Research*, Vol. ۱, No. 3, Pp. 385-405.

Boyatzis, R. E. (1998), *Transforming qualitative information: thematic analysis and code development*, Sage.

Braun, V. & Clarke, V. (2006), "Using thematic analysis in psychology", *Qualitative Research in Psychology*, Vol. 3, No. 2, Pp. 77-101.

Jane, H. (2001). *Creativity and Perception in Management*. Newyork: Sage Publications.

Torrance, E. (1989). *The Nature of Creativity as Manifest in its Testing*, *The Nature of Creativity Contemporary sychological Prespective*, Cambridge University Press.